



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مدیریت تحصیلات تکمیلی

پایان نامه برای اخذ درجه کارشناسی ارشد  
رشته زبان شناسی همگانی

عنوان پژوهش

# خشونت زبانی

پژوهشی موردی در دبیرستان های تهران

استاد راهنما

دکتر یحیی مدرسی

استاد مشاور

دکتر ایران کلباسی

نگارش

علی رضا مجلسی

تاریخ دفاع

مهرماه ۱۳۸۶



دویدن‌های همیشگی باد  
و رخت‌های پراکنده  
به یاد خانه‌ی پدری  
و مادرم  
که بزرگ بود و بزرگ...

## سپاس نامه

به سرانجام رساندن چنین پژوهشی بی‌گمان بدون استعانت از راهنمایی استادان و تشویق و پشت‌گرمی ایشان میسر نمی‌شد. پیرایگی و استواری و نظم این پایان‌نامه مدیون زحمات تمامی اساتید، دوستان و همکارانی است که به هر طریق، مشوق و کمک‌حال من بوده‌اند و نگارنده وظیفه خود می‌داند که بدین وسیله مراتب قدردانی خود را از یکایک این عزیزان اعلام نماید.

تشبث به باریک‌بینی، دانش و تجربیات آقای دکتر مدرسی، استاد راهنمای پایان‌نامه، پشتوانه‌ای بوده‌است که راقم این سطور را به رسیدن به دستاوردهای علمی این پژوهش یاری رساند که از ایشان صمیمانه سپاسگزارم.

خانم دکتر کلباسی نیز به عنوان استاد مشاور با کمک‌های شایانشان کاستی‌های این تحقیق را زدودند که از ایشان نیز کمال تشکر را دارم.

لازم می‌دانم که از آقای دکتر عاصی، مدیر محترم گروه زبان‌شناسی پژوهشگاه یادکنم که همواره با پشتیبانی و کمک‌های شایسته خود گام به گام با این پروژه همراه بودند که کمال امتنان خود را از زحمات ایشان ابراز می‌نمایم. همچنین از آقای دکتر صفارمقدم داور محترم پایان‌نامه نیز که با نظرات کارشناسانه‌ی خود به رفع نواقص نهایی پایان‌نامه یاری رساندند، سپاسگذارم.

شایسته است از خانم جعفری‌گلو که بخش بزرگی از مراحل اتمام این پژوهش مرهون کمک‌های شبانه‌روزی ایشان بوده است نیز یاد کنم و از ایشان و همچنین از دوستان و همکاران عزیزی که مشوق من در این پروژه بودند، آقایان فهیم‌نیا، گرامی‌پور و رحیمی قدردانی نمایم.

و در پایان از گروه‌های اجرایی و تحقیق پژوهشگاه به خصوص پژوهشکده زبان‌شناسی و زبان‌های باستانی و تمامی دست‌اندرکارانی که به نحوی در انجام این تحقیق از همیاری خود دریغ نوزیدند، تشکر می‌نمایم.

علی‌رضا مجلسی

مهرماه ۱۳۸۶

## فرم گردآوری اطلاعات پایان نامه

عنوان: خشونت زبانی؛ پژوهشی موردی در دبیرستان‌های تهران		
مترجم: -	محقق / نویسنده: علی‌رضا مجلسی	
استاد مشاور: دکتر ایران کلباسی	استاد راهنما: دکتر یحیی مدرسی	
واژه‌نامه: ندارد	کتابنامه: دارد	
کاربردی	توسعه‌ای	بنیادی
سال تحصیلی: ۱۳۸۶		مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد
نام دانشگاه: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی		محل تحصیل: تهران پژوهشکده: زبان‌شناسی
گروه آموزشی: زبان‌شناسی همگانی		تعداد صفحات: ۹۵
کلید واژه‌ها به زبان فارسی: خشونت - خشونت زبانی - قطع کلام و عدم نوبت‌گیری - عدم عذرخواهی - داد زدن - لحن آزاردهنده - امر و نهی کردن - تهدید - نفرین - تمسخر - ناسزا		
کلیدواژه‌ها به زبان انگلیسی: Linguistic violence – interruption – offending – threatening – shouting – teasing – no apologizing – hurting tone – bossing – cursing		

## چکیده

تحقیق درباره‌ی خشونت از دیدگاه زبان‌شناسی با دوجنبه‌ی فلسفه‌ی زبان و جامعه‌شناسی‌زبان از اهداف پژوهش حاضر می‌باشد. در این تحقیق ضمن بررسی تکوینی وجود خشونت زبانی از دیدگاه نظری سعی گردید به این سؤال پاسخ داده شود که آیا پدیده‌ای به نام خشونت در زبان قابل تعریف و مشاهده است؟ و سپس با تحلیل آماری بر روی داده‌ها بر اساس پرسش‌نامه، بر روی ۳۲۵ نمونه گردآوری شده از دانش‌آموزان مدارس تهران که به طور غیرتصادفی از مناطق ۲، ۳، ۵، ۱۵، ۲۰ مورد انتخاب واقع شده بودند، پرسش‌های زیر مورد تحقیق قرار گرفتند:

ش- آیا خشونت زبانی در گفتار دانش‌آموزان فارسی زبان مدارس تهران مشاهده می‌شود؟

۲- آیا خشونت زبانی با جنسیت دانش‌آموزان همبستگی نشان می‌دهد؟

۳- آیا خشونت زبانی با پایگاه اجتماعی- اقتصادی دانش‌آموزان همبستگی نشان می‌دهد؟

به منظور آزمون میزان اعتبار پرسش‌نامه‌ی تهیه شده، از آزمون آلفای کرونباخ استفاده می‌شود که اعتبار قابل قبول ۰/۸۱۴۵ را نشان می‌دهد. برای نشان دادن میزان ارتباط و بستگی عوامل خشونت‌زبانی با یکدیگر از **ماتریس همبستگی** بهره‌گرفته شده است تا همبستگی کامل و مثبت آنها به اثبات برسد سپس در نمایش وجود عوامل خشونت در زبان دانش‌آموزان و اولیای مدرسه از آزمون «*T* تک‌نمونه‌ای» بهره‌گرفته شد و از «*زمون* خی ۲» برای نشان دادن همبستگی تحصیلات پدر و مادر، مترای محل سکونت و تعداد افراد خانواده در تایید نسبت پایگاه اجتماعی- اقتصادی با عوامل فوق‌الذکر استفاده گردید که با سطح معناداری زیر ۰/۰۱ درصد همبستگی کامل و مثبت و معنی‌داری آن بالای ۹۹ درصد بوده است. برای نشان دادن همبستگی خشونت‌زبانی با متغیر جنسیت از *آزمون T مستقل* و در نشان دادن همبستگی خشونت با متغیر پایگاه اجتماعی- اقتصادی از *آزمون اسپیرمن* استفاده شد. نتایج به دست آمده از تحقیق پیش‌رو بدین شرح‌اند:

فرضیه‌ی اول با توجه به مباحث نظری و وجود مؤلفه‌های خشونت در گفتار مدرسه و میزان معناداری بالای ۹۹ درصد در نتایج آماری برگرفته از داده‌های به دست آمده از جمعیت نمونه، به اثبات می‌رسد.

میان خشونت زبانی و متغیر جنسیت در برخی مؤلفه‌های خشونت ارتباط معناداری به دست آمده است. به این ترتیب که دو مؤلفه‌ی **عدم نوبت‌گیری و قطع‌کلام** و همین‌طور **عدم عذرخواهی** در مدارس دخترانه شایع‌تر بوده و بالعکس دو مؤلفه‌ی **تهدید** و **نفرین** در مدارس پسرانه از میانگین بالاتری برخوردارند. در دیگر مؤلفه‌های خشونت روابط معناداری با جنسیت دیده نمی‌شود. به این ترتیب می‌توان با احتیاط و بنا به داده‌های نمونه‌های موجود فرضیه‌ی دوم را نیز قابل قبول دانست.

فرضیه‌ی سوم نیز با توجه به نتایج بدست آمده با احتیاط و تنها در حوزه‌ی دو مؤلفه‌ی خشونت پذیرفتنی است. همبستگی میان پایگاه اجتماعی- اقتصادی و خشونت تنها در حوزه‌ی **تهدید** و **نفرین** معنادار بوده و این همبستگی مثبت و مستقیم ارزیابی می‌گردد. به طوری که با افزایش درجه پایگاه اجتماعی- اقتصادی، میزان تهدید و نفرین در گفتار مدارس نیز افزایش نشان می‌دهد. در سایر مؤلفه‌های خشونت، همبستگی معناداری میان خشونت و پایگاه اجتماعی- اقتصادی دیده نمی‌شود.

صحت اطلاعات مندرج در این فرم بر اساس محتوای پایان‌نامه را گواهی می‌نمایم.

استاد راهنما: دکتر یحیی مدرسی

رئیس کتابخانه:

سمت علمی:

نام دانشکده:

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

### فصل اول: کلیات

۲	درآمد.....	۱-۱
۴	موضوع مورد بررسی.....	۱-۲
۵	متغیرها.....	۱-۳
۵	اهداف پژوهش.....	۱-۴
۵	پرسش‌های پژوهش.....	۱-۵
۶	فرضیه‌های پژوهش.....	۱-۶
۶	روش پژوهش.....	۱-۷
۶	جمعیت نمونه.....	۱-۷-۱
۷	پرسش‌نامه.....	۱-۷-۲
۸	گردآوری و استخراج داده‌ها.....	۱-۷-۳
۹	تعریف اصطلاحات بنیادی.....	۱-۸
۱۰	پیشینه‌ی تحقیق.....	۱-۹
۱۲	مشکلات و محدودیت‌ها.....	۱-۱۰

### فصل دوم: مبانی نظری

۱۵	درآمد.....	۲-۱
۱۶	خشونت.....	۲-۲
۱۹	فلسوفان زبان.....	۲-۲-۱
۲۱	آستین.....	۲-۲-۱-۱
۲۵	سرل.....	۲-۲-۱-۲
۲۹	خشونت زبانی.....	۲-۲-۲
۳۱	معیارهای گفتمانی صورت‌بندی خشونت.....	۲-۲-۳
۳۵	نتیجه.....	

### فصل سوم: تحقیق میدانی: توصیف و تحلیل داده‌ها

۳۷	درآمد.....	۳-۱
۴۰	توصیف داده‌ها.....	۳-۲
۴۰	متغیرهای مستقل.....	۳-۲-۱

- ۴۲ ..... ۳-۲-۱-۱ تعیین پایگاه اجتماعی - اقتصادی
- ۴۵ ..... ۳-۲-۲ توصیف متغیرهای وابسته (زبانی) به عنوان مؤلفه‌های خشونت
- ۵۸ ..... ۳-۲-۳ سنجش ارتباط میان مؤلفه‌های خشونت
- ۶۰ ..... ۳-۳ تحلیل داده‌ها
- ۶۱ ..... ۳-۳-۱ تحلیل وجود خشونت زبانی
- ۶۳ ..... ۳-۳-۲ تحلیل رابطه‌ی خشونت و جنسیت
- ۶۷ ..... ۳-۳-۳ تحلیل رابطه‌ی خشونت و پایگاه اجتماعی - اقتصادی

### فصل چهارم: نتیجه گیری

- ۷۳ ..... ۴-۱ درآمد
- ۷۳ ..... ۴-۲ نتایج حاصل از پژوهش

### کتابنامه ..... ۷۸

- ۷۹ ..... منابع فارسی
- ۸۱ ..... منابع انگلیسی

### پیوست ..... ۸۵

- ۸۶ ..... الف- پرسش‌نامه
- ۸۸ ..... ب- نفرین‌های متداول
- ۹۱ ..... پ- ناسزاهای رایج



## فهرست جداول و نمودارها

### جداول

- جدول ۳-۱: دسته‌بندی پرسش‌نامه براساس مفاد پرسش‌ها ..... ۳۹
- جدول ۳-۲: درصد و فراوانی میزان تحصیلات پدر آزمودنی‌ها ..... ۴۰
- جدول ۳-۳: درصد و فراوانی میزان تحصیلات مادر آزمودنی‌ها ..... ۴۱
- جدول ۳-۴: میانگین مساحت خانه آزمودنی‌ها ..... ۴۱
- جدول ۳-۵: درصد و فراوانی مساحت خانه آزمودنی‌ها ..... ۴۲
- جدول ۳-۶: درصد و فراوانی خانواده‌های آزمودنی‌ها بر حسب تعداد اعضای خانواده ..... ۴۳
- جدول ۳-۷: طبقه‌بندی نمونه‌ها بر حسب تعداد نفقات هر خانوار ..... ۴۳
- جدول ۳-۸: سنجش میزان همبستگی تحصیلات پدر با پایگاه اجتماعی-اقتصادی ..... ۴۴
- جدول ۳-۹: آزمون خی ۲ برای نشان دادن میزان معنی دار بودن رابطه‌ی تحصیلات پدر و وضعیت اقتصادی ..... ۴۴
- جدول ۳-۱۰: درصد قطع کلام توسط دانش‌آموزان ..... ۴۵
- جدول ۳-۱۱: درصد قطع کلام توسط معلمان ..... ۴۵
- جدول ۳-۱۲: درصد عدم عذرخواهی دانش‌آموزان از یکدیگر ..... ۴۶
- جدول ۳-۱۳: درصد عدم عذرخواهی معلمان پس از تحقیر دانش‌آموزان ..... ۴۶
- جدول ۳-۱۴: درصد لحن تحقیرآمیز معلمان ..... ۴۷
- جدول ۳-۱۵: درصد لحن تحقیرآمیز ناظم و مدیر ..... ۴۷
- جدول ۳-۱۶: درصد تهدید در میان دانش‌آموزان ..... ۴۸
- جدول ۳-۱۷: درصد تهدید دانش‌آموزان از سوی معلمان ..... ۴۸
- جدول ۳-۱۸: درصد داد زدن معلمان بر سر دانش‌آموزان ..... ۴۹
- جدول ۳-۱۹: درصد داد زدن دانش‌آموزان بر سر یکدیگر ..... ۴۹
- جدول ۳-۲۰: درصد نارضایتی دانش‌آموزان از داد زدن‌های معلمان ..... ۴۹
- جدول ۳-۲۱: درصد نفرین معلمان ..... ۵۰
- جدول ۳-۲۲: درصد نفرین ناظم و مدیر ..... ۵۱
- جدول ۳-۲۳: درصد امر و نهی معلمان ..... ۵۲
- جدول ۳-۲۴: درصد متداول بودن تمسخر در مدرسه ..... ۵۲
- جدول ۳-۲۵: درصد نام‌گذاری جهت تمسخر ..... ۵۲
- جدول ۳-۲۶: درصد تجربه‌ی تمسخر ..... ۵۳
- جدول ۳-۲۷: درصد تأثیر منفی تمسخر ..... ۵۳
- جدول ۳-۲۸: درصد تمسخر دانش‌آموزان توسط معلمان ..... ۵۴
- جدول ۳-۲۹: درصد ناسزاگویی دانش‌آموزان ..... ۵۴
- جدول ۳-۳۰: درصد ناسزاهای رایج میان دانش‌آموزان باسطح برخوردگی پایین ..... ۵۵
- جدول ۳-۳۱: درصد استفاده از ناسزا توسط معلمان ..... ۵۵
- جدول ۳-۳۲: درصد استفاده از ناسزاهای رکیک توسط معلمان ..... ۵۶
- جدول ۳-۳۳: درصد استفاده از ناسزاهای رکیک توسط ناظم و مدیر ..... ۵۷
- جدول ۳-۳۴: درصد استفاده از ناسزا از سوی پرسش‌شونده ..... ۵۸

- جدول ۳-۳۵: ارتباط میان مؤلفه‌های خشونت ..... ۵۹
- جدول ۳-۳۶: آزمون T تک نمونه‌ای، انحراف استاندارد و میانگین ..... ۶۲
- جدول ۳-۳۷: آزمون T تک نمونه‌ای، و سطح معنا داری ..... ۶۲
- جدول ۳-۳۸: میانگین کاربرد مؤلفه‌های خشونت به تفکیک جنسیت دختر و پسر ..... ۶۳
- جدول ۳-۳۹: آزمون T مستقل برای تشخیص معناداری اختلاف در کاربرد خشونت در زبان دختران و پسران ..... ۶۴
- جدول ۳-۴۰: آزمون اسپیرمن عدم نوبت گیری و قطع کلام و پایگاه اجتماعی- اقتصادی ..... ۶۷
- جدول ۳-۴۱: آزمون اسپیرمن عذرخواهی و پایگاه اجتماعی- اقتصادی ..... ۶۸
- جدول ۳-۴۲: آزمون اسپیرمن لحن آزاردهنده و پایگاه اجتماعی- اقتصادی ..... ۶۸
- جدول ۳-۴۳: آزمون اسپیرمن تهدید و پایگاه اجتماعی- اقتصادی ..... ۶۹
- جدول ۳-۴۴: آزمون اسپیرمن دادزدن و پایگاه اجتماعی- اقتصادی ..... ۶۹
- جدول ۳-۴۵: آزمون اسپیرمن نفرین و پایگاه اجتماعی- اقتصادی ..... ۷۰
- جدول ۳-۴۶: آزمون اسپیرمن امرونهی کردن و پایگاه اجتماعی- اقتصادی ..... ۷۰
- جدول ۳-۴۷: آزمون اسپیرمن مسخره کردن و پایگاه اجتماعی- اقتصادی ..... ۷۱
- جدول ۳-۴۸: آزمون اسپیرمن ناسزاگویی و پایگاه اجتماعی- اقتصادی ..... ۷۱

### نمودارها

- نمودار ۳-۱: درصد آزمودنی‌ها بر حسب جنسیت ..... ۴۰
- نمودار ۳-۲: درصد میزان تحصیلات پدر و مادر آزمودنی‌ها ..... ۴۱
- نمودار ۳-۳: درصد مساحت خانه آزمودنی‌ها ..... ۴۲

فصل اول

کلیات

## ۱-۱ درآمد

والتر فرانک در سخنرانی اش در کنفرانسی که درباره‌ی آموزش و پرورش در اروپا برگزار شده بود (لیوبلیانا ۱۷ تا ۲۰ سپتامبر ۱۹۹۸)،<sup>۱</sup> مبانی خشونت در مدارس را مبتنی بر عوامل و پیش‌فرض‌های زیر می‌دانست:

- ۱- تفاوت‌های جنسیتی
  - ۲- تفات‌های سنی یا مقطع تحصیلی
  - ۳- تفاوت در دسته‌بندی مدارس
  - ۴- تفاوت‌های قومیتی؛ اغلب شهرستانی بودن در مقابل ساکنین بومی هر منطقه
  - ۵- انتظار کشیدن مرافعه با به همراه داشتن همواره‌ی وسایل دفاع شخصی
- وی شیوه‌ی عملکرد - کنش و واکنش - دانش‌آموزان در مدارس را ریشه در شخصیت خود افراد، مسائل خانوادگی، برخوردهای درون مدرسه، دسته‌های محلی یا محله‌ی زندگی، فشار و تأثیر گروهی و البته رسانه‌ها می‌دانست.
- این که به طور بدیهی فرض ما بر این باشد که مدرسه جایی برای اعمال این تفاوت‌ها، تبعیض‌ها و مرافعات نیست، جای بحث چندانی نمی‌گذارد. اما این که تا چه حد، به میزان این گونه اعمال که نام آن‌ها را خشونت می‌گذاریم، در مدارس ایران توجه کرده و ریشه‌یابی نموده‌ایم جای بحث فراوان دارد.

سوءاستفاده و آزار جنسی، ایذای تازه‌واردان، گروه‌های خلاف‌کار و کتک‌کاری شاید وجوه بارز خشونت باشد که بلاشک در وجه تسمیه‌ی آنان به عنوان خشونت، بحث زیادی نیست. در بسیاری از کشورها هم اکنون به خشونت در ابعاد تازه تری نگریسته می‌شود. دایانا پیتون<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) به خشونت در ابعاد کلامی و غیر کلامی آن در جامعه جاماییکا پرداخته است و از خشونت به عنوان برده داری مدرن یاد می‌کند.

تنها در گزارش ۵ سال اول دهه‌ی ۹۰ میلادی در مدارس آمریکا بین ۴۱ تا ۵۵ درصد در شهرهای کوچک و بزرگ افزایش خشونت دیده می‌شود (جانسن و جانسن،<sup>۳</sup> ۱۹۹۵: ۲) و گزارش‌های مشابهی نیز می‌توان در کشورهای اروپایی مشاهده کرد و این سؤال می‌تواند درباره‌ی، دست کم، احتمال وقوع چنین حوادثی در مدارس ایران نیز مطرح باشد.

گذشت دهه‌ها از تاسیس مکتب‌خانه در کشور ما و سیستم آموزشی سنتی و تغییر و وارد کردن نظام آموزشی به تقلید از دیگر نظام‌های آموزشی غرب، بی‌گمان توأم با تحولات عمده در نحوه‌ی برخورد معلمان و دانش‌آموزان بوده است، اما آیا کنار گذاشتن فلک و ترکه و توصیه به اولیای مدارس بر تربیت عاری از ضرب و جرح دانش‌آموزان فضاهای آموزشی کشور را عاری از خشونت کرده

۱ برای خواندن خلاصه‌ی این سخنرانی می‌توانید آدرس اینترنتی زیر متعلق به دانشگاه لیدز انگلستان را ملاحظه نمایید:  
<http://www.leeds.ac.uk/educol/documents/000000880.htm>

<sup>۲</sup> D. Paton

<sup>۳</sup> D.W. Johanson and R.T. Johanson

است؟ آیا هرچه هست از سوی معلمان بر دانش‌آموزان است و تنها نحوه‌ی برخورد معلمان و شاگردان همواره از مصادیق خشونت بوده است؟ آیا در این ارتباط هیچ‌گونه رفتار خشنی میان خود دانش‌آموزان وجود ندارد؟ یا در ارتباط با معلمان و اولیای مدرسه از سوی دانش‌آموزان رفتار خشنی سر نمی‌زند؟ و آیا این خشونت تنها جنبه‌های فیزیکی و غیرزبانی را در بر می‌گیرد؟ آیا نباید به رفتار کلامی دانش‌آموزان در مقابل اولیای مدرسه و بخصوص معلمان و رفتار کلامی اولیای مدرسه با دانش‌آموزان نیز توجه کرد؟

شاید در گذشته‌ی آموزشی مدارس ایران، استفاده از فلک و ترکه و چوب‌تر و خط‌کش بلند و سیلی آن‌قدرها هم که ما امروز از دیدن و شنیدن آن یکه می‌خوریم، عملی خشونت‌آمیز تلقی نمی‌شده و شاید با توجیهاتی نیز فرد آسیب‌دیده آن را برای خود لازم هم می‌دیده است. اما امروز گمان نکنم کسی به راحتی بتواند در برابر خیل عظیم مخالفت با این گونه رفتارها، به آسانی آن را پذیرفتنی جلوه دهد؛ با کنار گذاشتن چنین مصادیقی از خشونت اگر تصور شود که فضاهای آموزشی امروز عاری از آسیب‌آست، به گمانم به راهی غلط افتاده‌ایم؛ در عصر ما شاید می‌بایست به جلوه‌های دیگری از خشونت نیز توجه داشت. آن چه امروزه بیشتر مورد سوءظن است، رفتار کلامی موجود در فضای مدارس من جمله تحقیر، توهین، تمسخر، پرخاشگری، بی‌ادبی و از این دست بوده که منجر به آسیب‌های روانی دانش‌آموزان می‌گردد. آیا تصور آن سخت است که پدر و مادری از دستگاه مغشوش آموزشی‌ای شاکی باشند که با تحقیر کودکانشان به رشد روانی آن‌ها آسیب می‌رساند؟ برخی معتقدند وقوع خشونت در مدارس چیزی نیست که بتوان منکر آن شد؛ خشونت از دسته‌گرایی در مدارس و تهاجم به تازه‌واردان و اذیت و آزار فیزیکی و گاه جنسی، تا تحقیر و تمسخر و آن چه که به شکل عوامانه‌ی آن به دست انداختن این و آن شهرت دارد، همه و همه نشانه‌های وجود بارز این گونه تحركات در مدارس است، اما نبود آمار و ارقامی مشخص در این باره در هر محقق‌ی تردیدی این گونه ایجاد می‌کند که تا چه حد سخن پراکنی در این باره مستند و با تحقیقات قابل وثوق توأم بوده است و آیا مستنداتی در این باب در مراکز تحقیقاتی آموزش و پرورش وجود دارد؟

در این تحقیق آن چه مورد پژوهش قرار خواهد گرفت، این است که آیا خشونت می‌تواند در حیطه‌ی زبان تعریف شده و مشاهده گردد و اگر چنین است آیا در مدارس نیز چنین خشونت‌ی که آن را **خشونت زبانی** می‌نامیم قابل شناسایی است؟

اگر چه اندک بودن منابعی که می‌توانستند پشتوانه‌ی تحقیق باشند در دسرساز است و هر پژوهنده‌ای را به تعلل می‌اندازد، اما گشودن دریچه‌ای به جهانی که کمتر در آن گام نهاده باشند می‌تواند امتیاز آن تحقیق بوده، قدم موثری در گسترش مباحث علمی باشد و موجب برانگیختن سؤالات متعددی گردد.

شاید این پژوهش به منزله‌ی گام کوچکی باشد که به پژوهندگان زبان و زبان‌شناسان نشان دهد که تا چه حد هنوز مجال تحقیق وجود داشته و هنوز موضوعات بسیاری هست که در زبان

---

4- Harm

فارسی ناجسته باقی مانده‌اند؛ پژوهندگان اجتماعی و جامعه‌شناسان هم شاید بتوانند از اندک مایه‌ی این تحقیق سودی ببرند.

از دیگر گروه‌هایی که می‌توانند هدف این پژوهش باشند، می‌باید به موسسات آموزشی به ویژه آموزش و پرورش اشاره کنم که در این تحقیق ذی‌نفع‌اند. نو بودن این تحقیق بی‌تردید آن را ملازم با کاستی‌های فراوانی خواهد کرد اما بلاشک آستانه‌ی نو خواهد بود برای به نمایش گذاشتن گوشه‌ای از گفتمان رایج فضاهای آموزشی کشورمان به ویژه مدارس مورد تحقیق در تهران که نمونه‌ای از شهرهای دیگر این مرز و بوم است.

## ۲-۱ موضوع مورد بررسی

بعد اجتماعی زبان مسأله‌ای است که همواره مورد تاکید برخی از زبان‌شناسان بوده است اما تا آن جا که به بحث خشونت مربوط می‌شود، نگارنده زبان‌شناسی نیافته است که به شکلی ویژه در این باره به طرح مبحثی پرداخته یا اثر مکتوبی داشته باشد. در عین حال، زبان به عنوان یک رفتار اجتماعی می‌تواند منجر به کنش و واکنش اجتماعی به شکل رفتارهای پیدا و پنهان در افراد متعامل گردد. پس خشونت نیز به مثابه یک پدیده‌ی اجتماعی در رفتار آدمی باز نمودی دارد که نگارنده معتقد است وجه زبانی آن همانقدر قابل پژوهش است که وجه غیرزبانی آن همواره در علوم رفتاری، اجتماعی و روان‌شناختی پژوهیده شده است.

آیا خشونت در زبان قابل تعریف است؟ این نخستین پرسشی بود که منجر به طرح این پژوهش شد. "زخم‌زبان" اصطلاح‌آشنایی است که هر فارسی‌زبان دست‌کم آن را شنیده است؛ این باور که گاهی زبان می‌تواند از شمشیر هم برنده‌تر باشد حتی تبدیل به مثل شده است. اما این که تا چه حد می‌توان این پدیده را در زبان‌شناسایی کرد و برای وقوع آن شرایطی معین نمود، نیاز به کاوشی فلسفی و علمی دارد. در عین حال مدرسه محلی است که بسیاری از زعمای شب و روز از سازندگی فردای جامعه توسط دانش‌آموزان در حال تحصیل در آن، داد سخن می‌رانند و از اهمیت آن می‌گویند. این که مدرسه از بنیادی‌ترین نهادهای توسعه‌ی هر جامعه‌ای است و در ایران تحت وزارت‌خانه‌ای به نام آموزش و پرورش است، بی‌گمان اهمیت محل تحصیل دانش‌آموزان را نشان می‌دهد.

موضوع این پژوهش، بررسی خشونت در زبان فارسی و گروه مورد بررسی، دانش‌آموزان فارسی‌زبان دبیرستان‌های تهران است و جنبه‌های مورد بررسی نشان‌دادن همبستگی یا عدم همبستگی خشونت با جنسیت دانش‌آموزان و پایگاه اجتماعی-اقتصادی آنان است.

## ۳-۱- متغیرها

### ۳-۱-۱- متغیرهای مستقل (اجتماعی)

جنسیت: در این پژوهش دو گروه جنسیتی دختر و پسر مورد تحقیق قرار گرفتند و مقصود از جنسی، قرار داشتن نمونه‌های مورد بررسی در یکی از دو گروه جنسیتی دختر یا پسر است. **پایگاه اجتماعی- اقتصادی:** از آنجا که تعیین دقیق پایگاه اجتماعی- اقتصادی آزمودنی‌ها به سبب دخالت عناصر و مؤلفه‌های گوناگون دشوار و خارج از حوصله بررسی حاضر است، در این پژوهش تحصیلات پدر، مساحت محل زندگی و تعداد افراد خانواده به عنوان مؤلفه‌های سازنده قشربندی اجتماعی- اقتصادی در نظر گرفته شدند.

### ۳-۱-۲- متغیرهای وابسته (زبانی)

عدم نوبت گیری و قطع کلام - عدم عذرخواهی - لحن تحقیرآمیز - تهدید - داد زدن - نفرین - امر و نهی - مسخره کردن - ناسزا گویی. (لازم به توضیح است که در متن پرسش‌نامه عذرخواهی مورد پرسش قرار گرفته است که درتنها در تحلیل آماری پاسخ‌های منفی آن به مثابه‌ی "عدم عذرخواهی" مورد نظر است.)

## ۴-۱- اهداف پژوهش

اهداف پژوهش حاضر را می‌توان به طور کلی به چهار هدف تقسیم کرد:

- ۱- بررسی کیفی وجود پدیده‌ی خشونت زبانی.
- ۲- نشان دادن کمی وجود خشونت در زبان گروه مورد بررسی با ارائه تحلیل آماری.
- ۳- نشان دادن ارتباط خشونت زبانی با جنسیت.
- ۴- نشان دادن ارتباط خشونت زبانی با پایگاه اجتماعی- اقتصادی.

## ۵-۱- پرسش‌های پژوهش

پرسش‌های اصلی پژوهش در ارتباط با وجود پدیده‌ی خشونت در زبان و در صورت به اثبات رسیدن آن، وجود خشونت زبانی در گفتار دانش‌آموزان مدارس تهران و ارتباط آن با جنسیت و پایگاه اجتماعی- اقتصادی است. در تحقیق پیش‌رو، خشونت از دیدگاه‌های زبان‌شناختی مورد بررسی قرار گرفته و معیارهای تشخیصی آن دست کم از دیدگاه فلسفه‌ی زبان بررسی می‌شود. حدود و ثغور خشونت مورد چالش قرار گرفته و سعی خواهد شد با بررسی گفتار آزمودنی‌ها که داده‌های این

پژوهش را فراهم آورده‌اند، ضمن تحلیل آماری، حتی الامکان برای پرسش‌های مطرح شده پاسخی بیابیم.

بنابراین پرسش‌های مطرح شده به قرار زیرند:

- ۱- آیا خشونت زبانی در گفتمان دانش‌آموزان مدارس تهران مشاهده می‌شود؟
- د- آیا خشونت زبانی با جنسیت دانش‌آموزان همبستگی نشان می‌دهد؟
- ۳- آیا خشونت زبانی با پایگاه اجتماعی- اقتصادی دانش‌آموزان مدارس تهران همبستگی نشان می‌دهد؟

## ۱-۶ فرضیه‌های پژوهش

بر اساس پرسش‌های پژوهش می‌توان فرضیه‌های زیر را مطرح نمود:

- ۱- پدیده‌ی خشونت در زبان وجود داشته و در گفتمان دانش‌آموزان مدارس تهران مدرسه قابل مشاهده است.
- ۲- پدیده خشونت زبانی با جنسیت دانش‌آموزان همبستگی نشان می‌دهد.
- ۳- پدیده‌ی خشونت زبانی با پایگاه اجتماعی- اقتصادی دانش‌آموزان همبستگی نشان می‌دهد.

## ۱-۷ روش پژوهش

زبان به مثابه یک رفتار اجتماعی در آدمی می‌تواند مانند سایر پدیده‌های اجتماعی مورد بحث‌های نظری قرار گرفته و در تحقیقات عملی نیز با استفاده از روش‌های تحقیق عملی و انجام تحلیل‌های آماری، مورد مطالعه‌ی علمی قرار گیرد.

به لحاظ هدف، این پژوهش جزء تحقیقات بنیادی به شمار می‌آید و روش تحقیق در این پژوهش در جمع‌آوری اطلاعات، توصیفی و پیمایشی است. این تحقیق صرفاً برای شناخت بیشتر پدیده خشونت از طریق نشان دادن کیفی و کمی آن به روش آماری است که به همین خاطر با عنوان "توصیفی" شناخته می‌شود و ضمناً این تحقیق بدین سبب "پیمایشی" است که به بررسی توزیع ویژگی‌های یک جامعه آماری می‌پردازد. این نوع تحقیق می‌تواند برای پاسخ به سؤال‌های پژوهشی از نوع زیر مورد استفاده قرار گیرد:

الف- ماهیت شرایط موجود چگونه است؟

ب- چه رابطه‌ای میان رویدادها وجود دارد؟ (سرمد، بازرگان و حجازی ۱۳۸۵: ۸۲-۷۷)

### ۱-۷-۱ جمعیت نمونه

با عنایت به موضوع تحقیق و جامعیت موضوع، لازم بود تا مدارس از مناطق مختلف تهران برای انجام پژوهش انتخاب گردند. با وجود آن که نمونه‌گیری تصادفی روشی دقیق‌تر است، اما به



علت پاره‌ای مشکلات اداری و عدم موفقیت در دریافت مجوز مراجعه به مدارس به شکل تصادفی یا غیر تصادفی لاجرم یافتن مدارس که مراجعه به آن‌ها با ممانعت‌های قانونی و عواقب بعدی آن همراه نبود از طریق دوستان و همکاران انجام پذیرفت. بدین ترتیب با تمایل مشارکت جریان و افراد مورد تحقیق از ۹ مدرسه از مناطق مختلف تهران، از ۳۲۵ نفر نمونه‌گیری به عمل آمد که از این تعداد ۱۷۵ نفر دختر و ۱۳۰ نفر پسرند.

از دانش‌آموزان پنج منطقه پرسش به عمل آمد: از جنوب تهران، منطقه‌ی ۲۰، دو مدرسه، از جنوب شرقی تهران، منطقه‌ی ۱۵، دو مدرسه، از مرکز تهران، منطقه‌ی ۲، دو مدرسه، از شمال تهران، منطقه‌ی ۳، یک مدرسه از غرب تهران، منطقه‌ی ۵، دو مدرسه برگزیده شدند. انتخاب مناطق مختلف برای نشان دادن تفاوت در بافت جمعیتی و به تبع آن پایگاه اجتماعی-اقتصادی صورت گرفت. با وجود آن که مدارس تنها از میان ۵ منطقه انتخاب شدند، اما محل زندگی پرسش‌شوندگان مناطق بیشتری از تهران از جمله مناطق ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ۱۴، ۱۵، ۲۰ را شامل می‌شد.

## ۲-۷-۱ پرسش‌نامه

در تهیه پرسش‌نامه مواردی رعایت شده است: به علت تعدد مؤلفه‌های خشونت که لازم بود در متن سؤالات قرار گیرند و در عین حال برای دانش‌آموزانی که اغلب این پرسش‌نامه‌ها را جدی نمی‌گیرند در هر سؤال یک گزاره گنجانده شد و از آن‌ها درباره‌ی صحت و سقم آن پرسش به عمل آمد.

اگر چه پژوهنده واقف است که پرسش‌های با بیش از دو گزینه می‌تواند به سنجش نمونه‌ها کمک بیشتری نماید، اما تعدد سؤالات و نحوه طراحی آن‌ها به شکل دیگری موجب دو گزینه‌ای بودن سؤالات گردید. در تعداد زیاد پرسش‌ها توقع صبر و شکیبایی دانش‌آموزان دبیرستانی در خواندن یک‌یک سؤالات با گزینه‌های چند تایی کم بود و ماهیت سؤالات نیز به جهت داستانی بودن، آنها را تک گزاره‌ای می‌نمود؛ صحیح و غلط بودن گزاره‌ها، لاجرم موجب دو گزینه‌ای شدن سؤالات گردید و البته سنجش اعتبار سؤالات نشان می‌دهد که سؤالات با وجود دو گزینه‌ای بودن از اعتبار قابل قبولی برخوردارند.

درباره‌ی تک تک مؤلفه‌های خشونت به عنوان متغیرهای وابسته سؤالاتی مطرح شد. در مجموع به جز سؤال مربوط به جنسیت و محل و منطقه‌ی زندگی ۳۶ سؤال از پرسش‌شوندگان به عمل آمد (نگاه کنید به پیوست الف).

جدول ۱-۲: ارتباط متغیرها و پرسش‌نامه

متغیرها	شماره‌ی سؤالات در پرسش‌نامه
عدم نوبت‌گیری و قطع کلام	۲۲ و ۲۳
عدم عذرخواهی	۲۶ و ۲۷
لحن تحقیرآمیز	۲۴ و ۲۵
تهدید	۲۸ و ۳۲
داد زدن	۱۹، ۲۰ و ۲۱
نفرتین	۲۹، ۳۰ و ۳۱
امر و نهی کردن	۱۸
مسخره کردن	۱، ۲، ۳، ۴ و ۱۷
ناسزا گویی	۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۶
پایگاه اجتماعی- اقتصادی	۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵ و ۳۶

سن پرسش‌شوندگان بین ۱۵ تا ۱۸ سال کنترل شده بود؛ علت اختصاص ۱۲ سؤال به مؤلفه‌ی ناسزا طبقه بندی ناسزاها به سه دسته می باشد: ۱- ناسزاهای معمولی که ترجیح می‌دهم این دسته را ناسزاهای سبک بنامم که اکثر آنان مرتبط با واژه‌های تحقیر آمیز و نام حیوانات اند ۲- دشواژه‌هایی که به عنوان فحش‌های رکیک معروف‌اند و درجه برخوردگی عموماً بالاتری در سطح جامعه دارند و ۳- ناسزاهای ناموسی که فحش یا توهین مستقیم به شخص یا خانواده مخاطب است با استفاده از واژه های جنسی. اگر چه در نهایت استفاده از هر یک از این سه دسته با توجه به گرایش کلی مجموع پرسش‌شوندگان به نشان دادن عدم رضایت از شنیدن چنین واژه‌های و میزان برخوردگی این اصطلاحات، نمایان گر وجود خشونت در زبان ارزیابی می‌شود اما برای جامعیت تحقیق چنین تقسیم بندی در ابتدا ضروری تشخیص داده شد.

### ۳-۷-۱ گردآوری و استخراج داده‌ها

پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌های پر شده که تعداد آن‌ها به بیش از ۴۰۰ نمونه می‌رسید، مواردی که به بیش از نیمی از پرسش‌ها پاسخی داده نشده بود یا قابل تشخیص و دسته‌بندی نبود کنار گذاشته شد و در پایان، داده‌های ۳۲۵ نمونه برای توصیف و تحلیل آماری گردآوری و استخراج شد. پس از مشاوره با کارشناسان آمار با استفاده از برنامه‌های توصیف و تحلیل آمار (SPSS)، آزمون‌های متعددی برای نشان دادن میزان اعتبار یافته‌ها انجام پذیرفت که در فصل سوم شرح مفصل آن‌ها خواهد آمد و در نهایت همبستگی متغیرها و نتایج حاصل مورد بررسی کیفی و کمی قرار گرفت.

## ۸-۱ تعریف اصطلاحات

توضیح مفصل‌تر اصطلاحاتی که در پی می‌آیند، به ویژه نتایج کنکاش نگارنده درباره‌ی خشونت و خشونت زبانی در بخش نظری پایان‌نامه قابل دسترسی است.

**خشونت:** خشونت تشتمت در رفتار متعارف است که اغلب توأم با شدت عملی است که خسارتی غیرقابل پیش‌بینی به جسم یا روان مخاطب وارد می‌آورد. (تورانس ۱۹۸۶: ۴)

**خشونت زبانی:** خشونت زبانی رفتاری نشان‌دار در پاره‌گفتاری است که حائز شرایط وقوع خشونت بوده، به گونه‌ای که چنین تأثیری به عنوان یک آسیب روانی در شخص مخاطب قابل بازشناسایی باشد.

**جنسیت:** جنسیت از دو منظر فیزیکی و اجتماعی در منابع مختلف به صورت Sex و Gender دیده می‌شود، که مقصود از آن تفاوت میان زن و مرد است؛ در این پژوهش جنسیت به عنوان یک پدیده اجتماعی در نظر گرفته می‌شود که نه لزوماً منتسب به اندام زن و مرد و شکل طبیعی و ثابت فیزیکی آن‌هاست، بلکه مربوط به نمود جنسیت در رفتارهای اجتماعی می‌باشد (موی ۲۰۰۵: ۴). در این پژوهش تمایز رفتار کلامی زن و مرد در بحث خشونت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

**پایگاه اجتماعی - اقتصادی:** پایگاه اجتماعی-اقتصادی اصطلاحی جامعه‌شناختی است که بر مبنای درآمد خانواده، سطح تحصیلات والدین، شغل آن‌ها و میزان ارتباطات اعضای خانواده در اجتماع به مثابه شاخص جایگاه اجتماعی آن‌ها تعیین می‌گردد که می‌توانند تعیین کننده‌ی پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده‌ها باشند (دمارست و دیگران، ۱۹۹۳). اما در این پژوهش مقصود از پایگاه اجتماعی-اقتصادی تنها وضعیت اقتصادی و فرهنگی خانواده‌ی دانش‌آموزان مورد پژوهش به لحاظ درآمد پدر و مادر و تحصیلات آنان می‌باشد؛ به دلیل تشخیص نامطلوب بودن پرسش مستقیم از وضع درآمدی خانواده، از سه مؤلفه‌ی جانبی متراژ محل زندگی، میزان تحصیلات والدین و تعداد افراد خانواده سؤال شد تا به طور غیر مستقیم به وضعیت اقتصادی یا پایگاه اجتماعی-اقتصادی ربط داده شود.

---

<sup>5</sup> J.M.C. Torrance

<sup>6</sup> T. Moi

<sup>7</sup> E.J. Demarset et.al.

## ۹-۱ پیشینه تحقیق

اگر چه نگاه منفی به خشونت به علت نسبت دادن ارزش‌های غیر اخلاقی به آن، انگیزه‌ی نوشتن بسیاری علیه آن شده است و ریشه‌یابی آن در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی موجب نگاه علمی‌تر و جامع‌تری نسبت به این پدیده گردیده، اما کماکان پذیرش ورود زبان‌شناسی به این موضوع مورد تردید قرار داشته است. شاید دلیل اصلی وارد نشدن زبان‌شناسان به این مقوله، مبهم بودن یا کلی بودن تعریف خشونت و تنوع مصادیق آن باشد. اما هر چه هست به نظر می‌رسد اگر زبان‌شناسان توانسته‌اند درباره‌ی وجهه و ادب تحقیقات فراوانی انجام دهند، می‌توانند و شایسته است که درباره‌ی بی‌ادبی و گستاخی و هتک حرمت هم فرضیه‌هایی را به اثبات رسانده یا رد کنند.

توسیع معنی خشونت و گستراندن دامنه آن به کلام، برخی چون توماس پلات<sup>۸</sup> (۱۹۹۲) را واداشته است که به ایراداتی دست زنند که ناشی از بیمی است که این اندیشمندان از فحوا‌ی تعریف خشونت دارند؛ این که در پشت واژه‌ی خشونت محکومیت اخلاقی‌ای نهفته است، پس گستردگی مصادیق آن موجب گستردگی مصادیق رفتارهایی با ارزش اخلاقی منفی خواهد بود و این به جای کاهش خشونت به افزایش آن کمک می‌کند و شاید کاربرد خشونت علیه خشونت را توجیه کند؛ ضمن آن که با گسترش حیطه‌ی رفتارهایی که تحت عنوان کنترل اجتماعی توجیه‌پذیر می‌شوند، آزادی آدمی در عمل نیز مورد تحدید قرار می‌گیرد.

برخی شاید از جنبه‌های دیگر مخالف چنین وسعتی در تعریف خشونت باشند، چرا که در این صورت معنای خشونت بدین گونه با معنی بی‌عدالتی، بزه‌کاری و اخلال در نظم اجتماع یکسان تلقی گردد؛ آن گاه ممکن است مثلاً نافرمانی مدنی گاندی برای استقلال هند به همین علت ساده‌ی آسیب زدن به بدنه‌ی دستگاه حکومتی و به تبع آن اختلال در نظم عمومی مصداق خشونت به شمار آید.

دین کرتین و رابرت لیتک<sup>۹</sup> (۱۹۹۹) معتقدند که خشونت ریشه در نهادهای اجتماعی ای همچون مدرسه و سیستم قضایی دارد و ویلیام گی<sup>۱۰</sup> مدعی است که لازم است چنان گستره‌ی تعریف خشونت را افزایش دهیم که زبان آزار دهنده نیز از مصادیق خشونت قلمداد گردد (اوتول و شیفمن<sup>۱۱</sup>، ۱۹۹۷: ۴۶۷-۴۷۳). پدیده‌ی خشونت در زبان چنان پذیرفتنی است که حتی در قوانین کشورها از جمله ایران نیز با مصادیقی همچون هتاک، فحاشی، افترا، ناسزا، تهدید و از این دست، قابل شناسایی است و تعبیر آن ارجاع شده است به عرف. چنین به نظر می‌رسد که پدیده خشونت در جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و فلسفه جایگاهی داشته و مورد مذاقه‌ی اهل قلم و پژوهشگران قرار

<sup>۸</sup>T. Platt

<sup>۹</sup> D.W. Curtin and R. Litke

<sup>۱۰</sup>W. Gay

<sup>۱۱</sup> L. O'Toole and J. Schiffman

گرفته‌است. حتی پدیده‌ی خشونت در زبان نیز در جامعه‌شناسی مورد توجه بوده است ولی جای طرح این مبحث در حوزه‌ی جامعه‌شناسی زبان خالی می‌نماید.

تا آن جا که نگارنده جسته است شاید بی‌راه نباشد که بگوییم در ایران هم‌اکنون کتب تالیفی اصولاً درباره‌ی جامعه‌شناسی زبان که اختصاصاً به موضوع زبان و جامعه از دیدگاه زبان‌شناسی پرداخته باشد از انگشتان دست فراتر نمی‌رود، با این حال البته معدود مقالاتی می‌توان یافت؛ شاید مقالاتی چند از ژینوس شیروان (۱۳۷۹)، محمد راغب (۱۳۸۳) و مقالاتی دیگر که دکتر باطنی (۱۳۸۱) به جمع‌آوری آن‌ها پرداخته است، همین‌طور کتاب دکتر مدرسی (۱۳۶۸) و نیز پایان‌نامه‌هایی در این باب از نمونه‌های اندک ولی بارزشی هستند که در زمینه جامعه‌شناسی زبان به طبع رسیده و شایان ذکرند.

در حوزه‌ی خشونت اما علی‌رغم یافتن مطالب جسته‌گریخته‌ای در این باره، به نظر می‌رسد که زبان‌شناسان به این پدیده کم‌تر توجه نشان داده‌اند. قلت توجه به خشونت از دیدگاه زبان‌شناسی در ایران بسیار محسوس به نظر می‌رسد اما از بعد جامعه‌شناسی به ویژه سیاسی آن، مطالب بسیاری می‌توان در بازار کتاب ایران جستجو کرد.

بنا به تحقیق نگارنده، آثار جدی درباره‌ی خشونت از دیدگاه جامعه‌شناختی که کم‌تر از آن‌ها بوی سیاست‌زدگی به مشام می‌رسد را در پایان‌نامه‌های دانشگاهی یا در میان کتبی که در باب خشونت طی دوره‌ی موسوم به اصلاحات (۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴) انتشار یافته، می‌باید جست:

"تأثیر خشونت والدین بر رفتار نوجوانان دانش‌آموز منطقه‌ی ۵ تهران" از مهران یکتا (۱۳۷۹) و "علل نابهنجاری رفتاری جوانان ۱۸ - ۳۰ ساله شهر تهران" از صیاد جهانگردی (۱۳۸۱) از این دست‌اند که موضوع آن‌ها مرتبط با خشونت مورد بررسی بوده است. نویسندگانی که در باب خشونت علیه زنان دست به قلم برده‌اند و از نگاه راقم این سطور دور نمانده‌اند، از این قرارند: مهرانگیز کار (۱۳۷۹)، زهرا آیت‌الهی (۱۳۸۰ و ۱۳۸۱)، شهلا اعزازی (۱۳۸۰)، پوررضا و موسوی شنیدی (۱۳۸۱)، ناهید اعظم رام‌پناهی (۱۳۸۳)، سلیمانی (۱۳۸۴)، مولوردی (۱۳۸۴).

همین‌طور به مقالات بسیاری در روزنامه‌ها و مجلات می‌توان استناد کرد که بانی گردآوری چنان مقالاتی مباحث سیاسی روز یا واکنش به جریان‌های اجتماعی - سیاسی کشور بوده‌اند. نویسندگانی چون حمید مولانا<sup>۱۲</sup>، احسن رفیعی<sup>۱۳</sup>، و بسیاری دیگر را می‌توان نام برد که با تاسی به

<sup>۱۲</sup> مولانا، ح. (۱۳۷۲، ۱۶ دی) "فرهنگ خشونت"، کیهان. صص. ۱۵ و ۱۶

<sup>۱۳</sup> رفیعی، ح. (۱۳۷۲، مهر) "برمودای خشونت"، جامعه‌سالم. سال ۴، ش ۱۷. صص. ۲۱ - ۱۹

مباحث ابتدایی جامعه‌شناسی در تفسیر و یا گاه تقبیح خشونت مقالاتی عرضه کرده‌اند که اعم آن‌ها در سایه سیاست از مباحث علمی دور افتاده‌اند.

در باب خشونت در خانواده و مدارس نیز می‌توان به مقالاتی چند همچون "خشونت در مدارس" از اختر جمالی<sup>۱۴</sup> و "خشونت در خانواده" از حسین آقاجانی<sup>۱۵</sup> یاد کرد. هاشم مشرفی و طیبه‌ی آدینه زاده (۱۳۸۳) در کتابی به علل روانی و اجتماعی خشونت پرداخته‌اند و جهاننگلو (۱۳۷۹) و رضا داوری اردکانی (۱۳۸۵) نیز به مباحث فلسفی خشونت اشاره دارند.

نویسندگان دیگری نیز همچون منتظر قائم (۱۳۸۴) به لحاظ تاریخی مبحث خشونت را - به معنای فیزیکی آن - بررسی کرده و برخی دیگر درباره‌ی خشونت و ابعاد و پیامدهای آن بیشتر از دیدگاه‌های اجتماعی دست به قلم برده‌اند: ابراهیمی (۱۳۸۱)، افتخاری (۱۳۷۹) و زکریایی (۱۳۷۸) از این جمله‌اند.

شایسته است از حسن موسوی چلک (۱۳۸۳) نیز که به تحلیل آماری مسائل اجتماعی ایران پرداخته در کتابی با همین عنوان به مباحث خشونت و سرقت می‌پردازد و همین‌طور از قاضی طباطبایی، محسنی تبریزی و مرجایی (۱۳۸۳) برای تحقیق ارزشمندشان در "طرح ملی بررسی پدیده‌ی خشونت خانگی علیه زنان" در شهرهای عمده‌ی ایران و کتاب‌های "کودک آزاری و پیامدهای آن بر رشد روانی-اجتماعی کودکان آزار دیده" از قماشچی (۱۳۸۵) و "والدین و حقوق کودک" از یزدانی (۱۳۸۵) یاد کنم.

در مجموع آن گونه که می‌توان نتیجه گرفت این است که بیشتر کتب و مقالات یاد شده در زمره‌ی آثاری جامعه‌شناختی و یا سیاسی است و کمتر به مباحث خشونت کلامی پرداخته شده و تا آن جا که مجال جستجو داشته‌ام به موردی تالیفی از نویسندگان ایرانی بر نخورده‌ام که در آن به دیدگاه‌های زبان‌شناسی درباره‌ی خشونت یا دست کم به خشونت زبانی به منزله‌ی مبحثی جداگانه نگریسته شده باشد. بنابراین ناگفته پیداست که جای پژوهشی این چنین در زبان فارسی بسیار خالی می‌نماید.

## ۱-۱۰ مشکلات و محدودیت‌ها

از جمله مشکلات موجود در انجام این پژوهش را می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- عدم همکاری برخی ارگان‌های دولتی و جدی نگرفتن اهمیت چنین پژوهش‌هایی در دستگاه‌های ذی‌ربط تنگنایی در انجام تحقیق بود.
- ۲- دسترسی به مدارس، به ویژه مدارس دختران، مطلقاً بدون همیاری آشنایان غیر ممکن می‌نمود.
- ۳- عدم امکان مشاهده مستقیم و محدودیت در مصاحبه، بالاجبار مرا واداشت تا تنها به پرسش‌نامه اکتفا نمایم.

<sup>۱۴</sup> جمالی، آ. (۱۳۸۰، ۲۷ شهریور) «خشونت در مدارس»، ایران. ص. ۷  
<sup>۱۵</sup> آقاجانی، ج. (۱۳۸۰، ۳ بهمن)، «خشونت در خانواده»، ایران. ص. ۱۱